

معماری فعل است

تالیف:

سارا رابینسون

ترجمه و حاشیه‌نویسی:

دکتر هدی همایونی - عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر بهناز پروین

ویرایش:

غلامرضا لایقی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: رابینسون، سارا، ۱۹۶۵-م.

Robinson, Sarah, 1965- (Architect)

عنوان و نام پدیدآورنده: معماری فعل است/ نویسنده سارا رابینسون؛ ترجمه و حاشیه‌نویسی هدی همایونی، بهناز پروین؛ ویراستار غلامرضا لایقی.

مشخصات نشر: تهران، نشر اطلاع، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: [۳۷۶] ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۱-۹۸-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Architecture is A Verb, 2021.

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان "معماری یک فعل است" با ترجمه حسن کاملی، هانیه قاسمی‌زاد توسط انتشارات گوهر دانش در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: معماری یک فعل است.

موضوع: معماری — عوامل انسانی

Architecture — Human factors

شناسه افزوده: همایونی، هدی، ۱۳۶۰- مترجم

شناسه افزوده: پروین، بهناز، ۱۳۶۰- مترجم

شناسه افزوده: لایقی، غلامرضا، ۱۳۴۰- ویراستار

رده بندی کنگره: NA۲۵۴۲/۴

رده بندی دیویی: ۷۲۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۹۹۵۳۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

معماری فعل است

مؤلف: سارا رابینسون

مترجمین: هدی همایونی، بهناز پروین

ویراستار: غلامرضا لایقی

نشر اطلاع

خیابان مطهری، نرسیده به شریعتی،

بن بست ارمان، پلاک ۵، واحد ۷

تلفن: ۸۸۴۲۸۵۷۷ فکس: ۸۸۴۵۶۲۵۱



9 786006 231983

صفحه آرای: وحید شهبازپور

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳ خورشیدی

چاپ:

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۱-۹۸-۳

از همکاری عزیزانی که در ترجمه اولیه این کتاب یاری رساندند،
نهایت تقدیر و تشکر را داریم.

آقایان:

هادی آزرمی

علیرضا اخوان

حمیدرضا مظاهری

خانمها:

سیده زهرا ابطحی

سیده فائزه احمدی

حنانه حسین زاده

صوفیا حصاری

ریحانه اصل رکن آبادی

کیما غفاری

مریم قنبری

سیده مهتاب متولیان سجادی

نیلا فهیم

نیکتا هاشمی

فهرست

چ	نقدی و درآمدی بر «معماری فعل است!»
خ	مقدمه مترجم
ز	پیش‌گفتار
ش	مقدمه نویسنده

۱	فصل اول
۳	شاعرانگی موقعیت‌مند
۶	مقاومت معماری
۸	امکان رویکردی یکپارچه
۱۰	معماری فعل است
۱۲	بدن‌مندی بنیادین
۱۴	شاعرانگی موقعیت‌مند

۲۱	فصل دوم
۲۳	از مرد ویتروویوسی تا بدن‌طنین‌بخش
۲۵	از منبع تا سوژه
۲۷	اندازه‌گیری کیفی
۲۸	مدولور
۲۹	چیزی به‌عنوان میانگین وجود ندارد
۳۰	بدن‌های موقعیت‌مند
۳۳	فضا به‌عنوان مدیوم
۳۸	بدن‌های طنین‌بخش
۳۹	قلمروی تکاپو

۲۱۱	رابطه تکاملی دوسویه
۲۱۳	تعليق
۲۱۷	استعاره: عرصه‌های الگوسازی
۲۲۵	یادآوری
۲۳۱	داستان‌سرایی
۲۳۵	روایت و خویشتن
۲۳۶	همدلی و داستان

۲۴۱	فصل دهم
۲۴۳	این بستر کمتر سرکش
۲۴۵	انتزاع
۲۴۷	از دید تمام تا دید پیرمویی
۲۵۰	آموختن از باغ ژاپنی
۲۵۵	قاب‌بندی
۲۵۹	اندیشیدن
۲۶۲	بداهه‌پردازی
۲۶۳	ماهیت مدیوم
۲۶۵	دیالکتیک پایین به بالا / بالا به پایین

۲۷۱	فصل یازدهم
۲۷۳	خاک ادراک‌پذیر
۲۷۴	یکپارچگی
۲۷۶	سکونت
۲۷۶	خوردن
۲۸۰	خواهیدن
۲۸۲	ملالت
۲۸۴	راه رفتن
۲۸۶	معماری لحظه‌ها
۲۹۲	بازی
۲۹۳	فرم‌های متناظر

۲۹۸	شهرسازی غریزی
۳۰۲	شفا

۳۱۱	فصل دوازدهم
۳۱۳	عرصه‌های مراقبت: سخن آخر

۳۱۹	پیوست: طبقه‌بندی برهم‌کنش‌ها
۳۲۵	واژه‌نامه
۳۳۷	فهرست اعلام
۳۴۵	تصاویر رنگی

www.ketab.ir

نقدی و درآمدی بر «معماری فعل است»

قرن‌ها پیش از آنکه انسان به مکانیزم فرایندها و پدیده‌ها نظر کند، مجموعهٔ معارف و دانش‌های بشری در کم‌وکیف بسیار محدود بود به‌طوری‌که امروز در احوالات آنان می‌خوانیم که فلان دانشمند تمام دانش‌های زمان خود را فرا گرفت! رفته‌رفته با تغییر نگاه به طبیعت و پدید آمدن دانش تجربی، گستردگی دانش و تنوع و تعدد شاخه‌های آن چنان فربه شد که فرا گرفتن تمام معارف و دانش‌های بشری ممتنع می‌نماید؛ تخصص در یک شاخه جزئی از نتایج و برآیندهای این گستردگی و تنوع است که بخشی به دلیل گستردگی و تنوع فوق‌العادهٔ علوم و بخشی به دلیل عدم توانایی انسان در تحلیل جزء در کل یکپارچه است؛ با این پیش‌فرض که کل از اجزاء تشکیل یافته و شناخت اجزاء در نهایت به شناخت کل می‌انجامد که البته پیش‌فرضی خطاست!

متواضعانه‌تر آن است که بگوییم ما از تحلیل کل یکپارچه ناتوانیم و از این‌رو به تحلیل اجزاء همت گماشته‌ایم بدان سودا که کل را نیز با اندازه‌ای بشناسیم. باین‌همه ظهور رایانه‌های قدرتمند و سریع و امکان حل معادلات دیفرانسیل با رایانه‌های بسیار زیاد که از عهده راه‌حل‌های کلاسیک دستی بر نمی‌آید، افقی روشن در تحلیل کل پیش پای علم نهاده است؛ و امید آن می‌رود که در آینده در سایهٔ تحلیل‌هایی یکپارچه با نگاهی کل‌نگر و به واقع نزدیک‌تر وحدتی میان تمام ارگان‌های گسترده و متنوع علم و دانش پدید آید. شاید در پرتو آن بار دیگر دانشمندان بتوانند تمام علوم زمان خود را که کلی یکپارچه است فرا گیرند و عطش انسان؛ این هزارتوی بی‌نهایت طلب فروکش کند!

با نگاهی نه‌چندان ژرف می‌توان این کل‌نگری را به‌عنوان پارادایمی نوین در کلیه شاخه‌های علم شاهد بود؛ اما در این میان ماهیت برخی از شاخه‌های دانش بشری که پیش‌تر نیز با ابعاد مختلف انسانی و شاخه‌های دیگر دانش گره خورده بود بیش از پیش مستعد این یکپارچه‌نگری گردیده است؛ معماری را شاید بتوان گل سرسبد آنها شمرد. معماری با ابعاد مختلف مادی و معنوی انسان سر و کار دارد و از این رو با تمام شاخه‌های دانش که انسان بنا نهاده و توسعه داده نیز مرتبط است؛ از علوم گسترده انسانی تا شاخه‌های مهندسی و پزشکی و البته هنر! معماری تاریخ است، جغرافیاست و فرهنگ و جامعه است؛ از آنجاکه گذشته و حال را به هم وصل می‌کند و در آینده جریان می‌یابد تاریخ است و چون در بستر طبیعت کاشته می‌شود جغرافیاست و چون

بارزترین دست‌آورد بشر در جامعه انسانی و شهریست تجلی جامعه است و چون باید استحکام و گرما و سرما را در طراحی منظور کند مهندسی است! معماری شعر مهندس و بوم نقاشی اوست... آیا می‌توان گفت معماری چه چیزی نیست؟! در واقع می‌توان تمام دانش‌های بشری را به نوعی در معماری تقلیل داد و تحویل نمود! از این رو طبیعی است که استعداد بیشتری را در طی زمان در یکپارچه‌نگری و کل‌گرایی از خود نشان داده باشد و البته امروز با وجود امکانات سخت‌افزاری و رشد و توسعه انسان معمار، نمود کامل‌تر و همه‌جانبه‌تری یافته باشد.

این گستردگی در ژرفا و پهنای دانش معماری و در درازای تاریخ چندان هیجان‌انگیز و پُرآب‌ورنگ است که انسان را به وجد می‌آورد و از خود بیخود می‌سازد؛ شاید هیجان آشکار سارا رابینسون نویسنده کتاب در بیان آن از سویی و کم لطفی اسلاف در توجه به بدن‌مندی معماری از سوی دیگر او را به نوعی به اغراق در جنبه بدن‌مندی معماری کشانده باشد، اگرچه تلاش‌های او را در نمایش یکپارچگی ماده و معنا در معماری نمی‌توان به واقع نادیده گرفت؛ زیرا گرچه نویسنده در تلاش بی‌وقفه برای به کرسی نشاندن تقدم بدن‌مندی از در و دیوار، از علم و شهود و از هنر و دانش، از روان‌شناسی گرفته تا فرضیه‌های تکامل شاهد می‌آورد و تا اینجا ما را به سنگینی کفه بدن‌مندی در فعل معماری فرا می‌خواند، اما از آنجا که دهه‌هاست که بیش از بدن‌مندی بر معناگرایی در معماری تأکید شده پس در نهایت چه بخواهیم و چه نخواهیم ما را در عمل به برآیند موازنه‌ای همه‌جانبه و کل‌نگر می‌کشاند که در آن سهم بدن‌مندی و روح‌مداری یکی است! پایان کار رسیدن به دیدگاهی یکپارچه‌نگر است که تمام ابعاد انسان و جهان در فعل معماری ظهور دارد. بنابراین همراه با نویسنده باید در جریان معماری شناور شد و اجازه داد تا تمام ابعاد متصور انسان در فعل معمار تجلی یابد. ترجمه آن زیبا و دقیق است ولی از آنجا که متن حاوی نگرش همه‌جانبه به ابعاد گونه‌گونه معماری است، لازم است خواننده با حوصله و دقت به مطالعه فصول مختلف کتاب همت گمارد. کتاب بیش از آنکه مهندسی باشد فلسفه است و ورزشی نظری برای تمام کسانی که ژرف‌تر می‌اندیشند، بنابراین خواندن آن منحصر به اساتید، مهندسان یا دانشجویان معماری نیست.

خواندن این کتاب به تمام کسانی که به معماری فراتر از دانش مهندسی می‌اندیشند و معماری را «بیان خوشتن» می‌دانند توصیه می‌شود.